

# دام جهانی شدنی ، تعرض به دمکراسی و رفاه

نوشته ی هانس پتر مارتین و هارالد شومن

ترجمه ی فریبرز جعفرپور

بخش چهارم  
( قسمت اول )

## قانون گرگها

### فراملیتی جدید و بحران بی انتهای مشاغل

" گمرکات را منحل و از تجارت آزاد حمایت کنید ، آنگاه کارگران ما در هر حوزه ی اقتصادی همانند کارگران اروپا تا سطح گدایان و بردگان تنزل خواهند نمود."

از سخنان ابراهام لینکلن شانزدهمین رئیس جمهور ایالات متحده ی آمریکا (۱۸۶۵\_ ۱۸۶۰)

در دیربورن واقع در ایالت میشیگان آمریکا کارآمدترین مهندسین کنسرن فورد که دومین تولید کننده ی بزرگ اتومبیل در جهان است در زیر نور تعداد زیادی صفحه ی رایانه مشغول به کارند. آن ها به سادگی همزیستی انسان و ماشین را به نمایش می گذارند. یک طراح اتاق اتومبیل با قلم ، الکترونیکی بر روی یک صفحه ی رسم الکترومغناطیسی واقع بر روی میزش اینجا فشاری می دهد و آنجا خطی ترسیم می کند و به تدریج بر روی صفحه ی تصویر رایانه اش طرح اتومبیلی نمایان می گردد که شاید به زودی به عنوان جدیدترین مدل فورد در نمایشگاه های تمامی جهان در معرض دید خریداران قرار گیرد. ناگهان از درون یک بلندگوی ناپیدا در کنار صفحه ی تصویر صدائی می گوید:

"طرحی بسیار خوب است ، اما به نظر تو چطور است که آن را این طور تغییر بدهیم؟"

و بعد گوئی دستي نامرئي طرح روی صفحه ی تصویر را قدری تغییر می دهد و سقف اش کمی گردتر و طرفین اش کمی کشیده تر می گردد.

این شبخ شرکت کننده در ترسیم طرح در مرکز اروپائی کنسرن فورد واقع در شهر کلن آلمان نشسته است. طراحان آلمانی گاه هم زمان و گاه در شیفت های متفاوت با همکاران آمریکائی شان در دیربورن بر روی طرح واحدی کار می کنند. آن ها ایده های آمریکائی ، اروپائی و ژاپنی را در هم می آمیزند. رایانه های "گرافیک سیلیکون " پراکنده در سراسر جهان این امکان را به وجود آورده اند که از آزمایشگاه های مختلف طراحی اتومبیل واقع در تمامی پنج قاره ی جهان ، یک آزمایشگاه واحد جهانی شدن طرح اتومبیل بوجود آید که در آن هر طرح و هر محاسبه ی ایرودینامیکی برای هر مدل فقط در یک سلسله آزمایش های مشترک انجام می گیرد.

طراحی از طریق ویدیو و رایانه از فراز تمامی اقیانوس ها و مرزهای زمانی ، یکی از بنیادی ترین تجدید سازماندهی های کنسرن فورد است. از آغاز سال ۱۹۹۵ شعبه های منطقه ای فورد دیگر مدل های ویژه ی خویش را بیرون نمی دهند و چون گذشته طرح های تمام شده در یک بخش توسط بخش دیگر تکمیل و یا متناسب با شرایط محلی تغییر داده نمی شوند. به جای این الکترون ترنمن رهبر کمپانی فورد از درهم آمیزی کنسرن های منطقه ای گذشته دو واحد بزرگ تولیدی بوجود آورده است که بازارهای اروپا و ایالات متحده و آسیا و آمریکای لاتین را تغذیه می کنند. آن چه که تا مدتی پیش کند و پرزحمت به نظر می رسید، یعنی به کارگیری مدرن ترین تکنیک اطلاعاتی ، اکنون درها را برای جا افتادن دستگاه جهانی شدنی کارخانجات باز می کند. طراحی و تولید و خرید و فروش. فورد از رایانه کمال مطلوب استفاده را در مقیاسی جهانی می نماید و حتی تا دور افتاده ترین شعبه هایش از هرگونه دوباره کاری خود داری می کند. نتیجه ی کار "اتومبیل هائی جهانی شده" اند که اکنون فورد با آنان استانداردی جهانی برای تولید اتومبیل به دست می دهد . استاندارد دی که دارای بالاترین کارایی ممکن می باشد. این تغییر شکل تولید باعث میلیاردها دلار صرفه جوئی در هزینه ها می گردد و احتمالاً چندین هزار محل کار تخصصی و حقوق بالایی مدیران ، مهندسی و فروشندگان محصولات اش را از بین می برد. در حالی که طراحان فورد برای مدل قبلی شان یعنی مدل موندئو تا رسیدن به تولید انبوه به دو ماه کار و بیست کنفرانس جهانی نیاز داشتند، برای جدیدترین مدل یعنی تاوروس تنها به پانزده ساعت کار و سه کنفرانس نیاز داشتند. یعنی رشد کارائی آن ها بیش از صد در صد بوده است.(۱)

نشریه ی اقتصادی اکونومیست در این مورد می نویسد "انقلاب فورد" نتیجه ی فشارهای اقتصادی نیست. این کنسرن در سال ۱۹۹۴ بیش از ۶ میلیارد دلار سود داشته است.

تروتمن و گروه مدیریت اش تنها به آن چیزی جامه ی عمل پوشانیده اند که به کارگیری تکنولوژی مدرن شبکه ی ارتباطی جهانی شدن ممکن نموده است. نه فقط کنسرن های اتومبیل سازی ، بلکه تمامی کنسرن های دیگر نیز راه فورد را در پیش خواهند گرفت.

انقلابی دنیای کار را بخش به بخش و شغل به شغل زیر و رو می کند. هیچکس از نتایج این انقلاب برحذر نخواهد ماند. سیاستمداران و اقتصاددانان بیهوده به دنبال یافتن جانشینی برای مشاغلی که کارگران کارخانه های کشتی سازی ولکان ، هواپیما سازی دازا و یا اتومبیل سازی فولکس واگن از دست می دهند، می باشند. دیگر مدت هاست که ترس از دست دادن کار بر روی دفاتر کارمندان شرکت ها نیز سایه گسترده است و تقریباً مطمئن

ترین بخش های اقتصاد را نیز شامل می گردد. به زودی مشاغلی که تا اکنون مشاغل مادالعمری محسوب می گردند به مشاغل گاه بگاهی تبدیل خواهند شد و ممکن است تمامی قابلیت های کسانی که تا به دیروز شغلی به اصطلاح آینده دار داشته اند یک شبه بی ارزش گردند.

بدین طریق برای حدود یک میلیون نفر از کارمندان بانک ها و بیمه ها آینده ی تیره ای آغاز می گردد. از زمانی که موسسات اقتصاد مالی در مقیاسی جهانی با هم به رقابت برخاسته اند، رقابت بی حد و مرزشان چنان سرنوشت سختی را برای کارمندان شان رقم زده است که تاکنون تنها کارمندان صنعت پارچه بافی آن را به این شدت تجربه کرده اند. این امر با به کارگیری دستگاه های خودکار پرداخت پول و چاپ صورت حساب های بانکی آغاز گردید. اکنون بانک ها، شرکت های بیمه و موسسات سرمایه گذاری آمریکایی و ژاپنی به بازار پس انداز و وام دهی اروپا و بیش از همه آلمان هجوم آورده اند. به عنوان مثال کنسرن آمریکن اکسپرس از سال ۱۹۹۵ حساب هائی فاقد مهلت فسخ عرضه می کند که سودهای شان بیشتر از حساب های پس انداز بانک های آلمان است. مشتریان می توانند در تمام مدت بیست و چهار ساعت از طریق تلفن و یا رایانه انجام هرگونه قراردادی را از این بانک درخواست نمایند. مثلاً وجوه پس انداز خویش را در عرض چند دقیقه به سهامی پرسود تبدیل نمایند و یا حتی در خواست فرستادن پول نقد به منزل شان را نمایند. موسسه ی سرمایه گذاری فیدایتی نیز که مرکزش در شهر بوستون واقع در ایالت ماساچوست است تلفنی اوراق قرضه اش را از طریق شعبه ی لوکزامبورگش در سراسر اروپا می فروشد. این شیوه ی کار ساختارهای سنتی بانک ها را زیر و رو می نماید. شبکه ی تنگ شعبات بانک ها که تا کنون به خاطر نزدیک بودن به مشتریان شان یکی از بزرگترین مزیت های شان بود، اکنون به امری لوکس و گران تبدیل گشته است و در کار رقابت زیان آفرین می باشند. در حال حاضر تمامی بانک های بزرگ آلمان با ایجاد بانک های تلفنی وابسته به این شکل کار روی می آورند. به عنوان مثال دویچه بانک، بانک ۲۴ و فراینز بانک، بانک ادوانس را به وجود آورده است. این امر باعث آن خواهد گردید که در سال های آینده شعبات بانک های بزرگ به گونه ای بنیادین تقلیل یابند.

از این به بعد تعداد بسیار کمی کارمند دیپلمه ی محتاج کارآموزی و تعلیمات پرخرج و حقوق های بالا مورد نیاز خواهند بود. بدین طریق از شغل بانکداری سنتی یعنی بانک های دارای کارمندان حقوق بالایی خوش برخوردی که در سر هر خیابان شعبه ای داشتند چیزی باقی نخواهد ماند. به عنوان مثال در بانک تلفنی فراینز بانک بایر دیگر معیارهای حقوقی سندیکای کارمندان آلمان اعتباری ندارد. کارمندان این بانک به جای ۲۳ تا ۳۰ مارک حقوق مرسوم، تنها ۱۶ مارک در ساعت حقوق می گیرند. یعنی کمی بیشتر از مزدی که در موسسات نظافت و روفت و روب مرسوم است. این بانک بزرگ مونیخی به کارمندان جدیدش مزایائی همچون عیدی کریسمس را نمی پردازد. از این گذشته کارمندان این بانک می باید آماده باشند که بدون هرگونه اضافه حقوقی در هر وقتی از شب و روز به کار گمارده شوند. حتی در تعطیلات آخر هفته. به تدریج عرصه حتی بر متخصصین سطح بالا نیز که مشاورت مالی افراد و یا موسسات را به عهده دارند تنگ می شود. همین امر شامل حال دلالان بورس که در بازارهای الکترونیکی دنیای دارائی میلیون ها دلار سود برای شرکت های شان کسب می کنند نیز می گردد. تا کنون پنج موسسه از موسسات مالی بزرگ آلمان در شهر لندن بانک های سرمایه گذاری ایجاد نموده اند و معاملات بزرگ مشتریان خود را در آنجا تمرکز داده اند. متقاضیان آلمانی کار در بانک هائی نظیر

بنزون (متعلق به درسدر بانك) و يا مورگان گرینفیل (آلماني) حتي اگر از بانك هاي مادر نیز آمده باشند، شانس کمی دارند. کارفرمایان این موسسات نیروی کار آنگلوساکسونی را بیشتر می پسندند.

حرفه ای های دنیای دارائی ایالات متحده در واشنگتن و نیویورک به سیستم بانکی از دید آن ها کهنه شده و غیر بارور و از همه مهمتر کم سود اروپا به دیده ی تمسخر می نگرند. یکی از مدیران گذشته ی سرمایه گذاری در وال استریت در این مورد می گوید: "مدیریت پول کلان در سوئیس در يك دنیای دیگری رشد نموده است. لیکن با توجه به این که مشتریان ما سالی سی درصد سود می برند و بانك هاي سوئیس شاید دو تا سه درصد بیشتر سود نمی پردازند به زودی این بانك ها از غافله عقب خواهند ماند." بسیاری از سفته بازان بزرگ آمریکائی معتقدند که در چند سال آینده میلیاردها دلار سرمایه های پس انداز کنندگان هنوز محتاط آلمانی، سوئیسی و اتریشی را به سوی سرمایه گذاری های پر ریسک خویش جلب خواهند نمود. یکی از این شرکت های سرمایه گذاری برنامه ی دراز مدت خود را چنین توصیف می نماید: "ما ابتدا شعبه ای بزرگ و مجلل در خیابان راه آهن زوریخ دایر می کنیم. ابتدا مشتریان سوئیسی دماغ های شان را بالا می اندازند و به ما با بی اعتنائی می نگرند. اما هنگامی که یکی از همسایگان با شهادت شان بعد از سال ها با اتومبیل پورشه ای که از سودی که ما برایش کسب نموده ایم خریده است از جلوی شان گذشت، بی اعتنائی شان فوراً از بین خواهد رفت."

این امر برای شاغلین بازار پول نتایج بسیار ناگواری را در پی خواهد داشت. اولریش کالیری عضو هیئت رئیسه ی دویچه بانك پیش بینی می کند که "بانك ها را باید صنعت فولاد سال های دهه ی نود قلمداد نمود." بازاریبان موسسه ی مهندسی مشاور کوپرژ و لیراند این سخن را سخنی گزاف نمی دانند. (۲) آن ها در يك بررسی تحقیقی در مورد پنجاه بانك بزرگ جهان پیش بینی می کنند که بیش از نیمی از کارمندان بخش تجارت پول این بانك ها در ده سال آینده مشاغل خویش را از دست خواهند داد. این امر به معنی آن است که در صنعت دارائی آلمان حدود نیم میلیون از مشاغل حقوق بالا از بین خواهد رفت. (۳)

## سه هندی به ازای يك سوئیسی

آنچه که برای بانك ها و بیمه ها تازه شروع شده است، دیر زمانی است که يك بخش صنعتی مهم آینده یعنی صنعت تولید نرم افزارها را شامل گردیده است. در حالیکه اکنون یعنی تا پائیز سال ۱۹۹۶ هنوز سی هزار دانشجو در دانشگاه های آلمان به تحصیل در رشته ی انفورماتیک مشغول می باشند، از هم اکنون روشن است که بخش بزرگی از این متخصصین آینده ی رایانه در بازار کار شانس کمی برای یافتن کاری دائمی خواهند داشت. اینکه به چه سرعتی دانستنی های این افراد بی اعتبار خواهد گردید را متخصصین برنامه ریزی رایانه در "سیلیکون ولی" کالیفرنیا از مدت های پیش تجربه می نمایند. تقریباً از ده سال پیش روسای خط تولید کمپانی هائی چون هولت \_ پکرد، موتورولا یا آی بی ام شروع به استخدام متخصصین حقوق پائین هندی نمودند. آن ها گهگاه هواپیماهایی مملو از این نیروهای کار مورد علاقه شان را وارد کشور می نمودند. این برنامه ی صرفه جوئی در مرزها "خرید مغزها" نامیده می شد. متخصصین بومی تولید نرم افزارها در ابتدا به مخالفت با این رقیبان ارزان قیمت خویش برخاستند و دولت نیز از آن ها پشتیبانی می

نمود. از این رو نیز به متخصصین هندی تنها در موارد استثنائی ویزا و اجازه ی کار داده می شد. لیکن این امر کمکی به مهندسین آمریکائی ننمود. زیرا بسیاری از موسسات سازنده ی رایانه بخش های مهم برنامه ریزی خود را مستقیماً به هندوستان منتقل نمودند.

حکومت دهلی نو در ده منطقه ی اختصاصی تمامی فراساختارهای مورد نیاز از آزمایشگاه های بزرگ دارای تهویه ی مطبوع تا خطوط ارتباطی ماهواره ای را تقریباً به صورت مجانی در اختیار آن ها نهاد. در عرض چند سال شهر چند میلیونی بنگالوره در مرکز فلات هند که "شهر الکترونیک" خوانده می شود به شهرتی جهانی دست یافت. در این میان کنسرن های زیمنس، کومپاکو، تکراس اینسترومنت، توشیبا، میکرو سوفت و لوتوس که همگی از بازیگران جهانی دنیای رایانه اند، شعبه هائی در هندوستان دارند و یا آنکه قسمتی از تولید خود را توسط شرکت های وابسته ی هندی شان انجام می دهند. امروزه صنعت نرم افزار شبه قاره ی هند مجموعاً صد و بیست هزار نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه های مدرس و دهلی نو و بومبئی را به خدمت گرفته است. آنان در سال ۱۹۹۵ مجموعاً ۱،۲ میلیارد دلار فروش داشته اند که دو سوم آن از صدور خدمات کسب گردیده است. (۴) از آنجا که رونق اقتصادی تعداد وسایل نقلیه را دو برابر نموده است و آلودگی هوا غیر قابل تحمل گشته است و از سوی دیگر فقر توده ای مستمر احساسات مردم را برانگیخته است، رونق اقتصادی این شهرها دوباره در حال تنزل است و تولید کنندگان نرم افزارها به شهر پونا هجوم می برند.

ده سال پس از آغاز واردات متخصصین هندی به کالیفرنیا، در مراکز اولیه ی تولید نرم افزار ایالات متحده و اروپای غربی و ژاپن دیگر وضع چون گذشته نیست. فقط در آلمان سه کنسرن غول پیکر تولید رایانه ای بی ام، دیجیتال اکوئیپمنت و زیمنس – نیکس دورف از سال ۱۹۹۱ بیش از ده هزار محل کار را حذف نموده اند. ایجاد شعبه های این کارخانه ها در بنگالوره اگر چه نه تنها دلیل، لیکن یکی از دلایل مهم این امر بوده است. به همین ترتیب بسیاری از موسساتی که مقادیر زیادی ارقام برای محاسبه دارند از امکانات عرضه گردیده توسط کشورهای آن سوی کره ی زمین استفاده می نمایند. به عنوان مثال شرکت های هواپیمائی سوئیس ایر و بریتیش ایرویی و لوفت هانزا بخش بزرگی از امور اداری خویش را به شرکت های وابسته ی هندی واگذار نموده اند. دویچه بانک سیستم های رایانه ای خویش را توسط شرکت وابسته اش در بنگالوره تعمیر کرده و یا گسترش می دهد. هندی ها طرح اولیه ی آمایش شرکت کونتینر کایز را در برمر هافن و یا برنامه های مالیاتی شرکت اینتر کوپ هامبورگ را که شرکتی ارتباطی می باشد تهیه می کنند.

انگیزه ی انتقال کار به هندوستان همیشه ثابت است. متخصصین هندی در دانشگاه های انگلیسی زبان هندوستان بسیار خوب تربیت گردیده اند و یک چندم همکاران شمالی شان حقوق می گیرند. هانس کرومر سخنگوی سوئیس ایر جان کلام تولید کنندگان نرم افزارها در هندوستان را چنین جمله بندی می کند: "ما در هندوستان قادریم با مزد یک سوئیسی سه هندی را به خدمت بگیریم." فقط انتقال بخش اداری مربوط به صورتحساب های سوئیس ایر به هندوستان صد و بیست محل کار را در زوریخ از بین برده و سالیانه هشت میلیون فرانک صرفه جوئی در مخارج را باعث گشته است. (۵)

این تازه شروع کار است. از سال ۱۹۹۰ یک میلیون متخصص رایانه از روسیه و اروپای شرقی به بازار کار هجوم آورده اند. اکنون دیگر آبی بی کارهای وقت گیر کنترل و تعمیر رایانه هایش را از طریق ماهواره به کارخانه ای در مینسک واکذار می نماید. شرکت آلمانی "سوفت ور" برنامه های رایانه اش را در شهر ریگا و کارخانه ی "دبیز" وابسته به کنسرن دایملر بنز در سنت پترزبورگ انجام می دهد. کارل هاینس آخینگر رئیس کارخانه ی دبیز می گوید: "در آنجا حتی از هندوستان هم ارزان تر کار می کنند." رنه ژوتن متخصص امور هندوستان کارخانه ی زیمنس این گفته ی آخینگر را تأیید می کند. در بنگالور مخرج دیگر خیلی بالاست "ما در فکر آن هستیم که به زودی به جای دیگری برویم.

در حال حاضر برای متخصصین سخت کوش و کم توقع رایانه کشورهای شرق و جنوب رقیب باز هم ارزان تری در حال پیش روی است. این رقیب شکست ناپذیر خود جناب رایانه است. آگاهان این رشته هم چون کارل اشمیت از شرکت مهندسی مشاور تکنولوژی و تولید سیستم ، کار کم حقوق در مشاغل رایانه ای را "پدیده ای گذرا" می داند. به نظر وی به زودی مدول های نرم افزار و برنامه های جدید هرگونه کاری را در این بخش غیر ضروری می نمایند. در آینده یک رایانه مجهز ، ابزار و برنامه های جدید قادر خواهد بود به اندازه ی صد تن متخصص رایانه امروزی اش کار کند. به نظر اشمیت اگر این پیش بینی رحمانه برای شغلی که مدت ها در زمره ی مشاغل حساس جبهه ی پیشرفت محسوب می گردید حقیقت یابد، از دویست هزار محل کار کنونی در صنعت نرم افزارهای آلمانی تنها دو هزار محل کار باقی خواهد ماند. (۶)

با تمامی این اوصاف متخصصین رایانه می توانند هنوز هم به آینده ی شغلی خویش و افزایش تقاضا در بازار کارشان امیدوار باشند. شرکت های تلفن در سراسر جهان توجه خود را به ایجاد شبکه های پرتوان ارتباطی معطوف نموده اند. شبکه هایی که هم چون اتوبان های ویژه ی ارقام با خدمات مولتی مدیای شان این شرکت ها را به هم متصل خواهند نمود. نوشتن برنامه های کاربردی محتاج کار زیادی می باشد. در سال ۱۹۹۵ موسسات تولیدی نرم افزار آلمانی تعداد کارکنان خود را افزایش دادند. در عین حال اما با رونقی که اینترنت در پیش رو دارد، تعداد بی شماری از دیگر مشاغل خدماتی ناپدید خواهند گردید. کارمندان بایگانی ها، کتابخانه ها، آژانس های مسافرتی ، فروشندگان مغازه ها، کارمندان روزنامه های محلی و شرکت های تبلیغاتی همه و همه غیر ضروری می شوند. زمانی که غالب خانه ها به رایانه و تلفن مجهز گردند مشتریان بتوانند در عرض یک دقیقه بدون آن که خانه های شان را ترک نمایند، آن چه را که می خواهند از میان هرآن چه که در سطح جهان عرضه می گردد انتخاب نمایند، بخش اعظم بازار کار از میان خواهد رفت.

## میلیون ها قربانی برای بازار جهانی

انتقال به خارج ، ساده کردن تولید، حذف محل کار ، اخراج کارکنان و اقتصاد پرتوان و تکنیک بالا مشاغل جامعه ی رفاهی را می بلعد و مصرف کنندگان این جامعه را بیکار می نمایند. بدین طریق یک زمین لرزه ی اقتصادی \_ اجتماعی با ابعادی تاکنون ناشناخته در پیش

خواهد بود. چه در صنعت اتومبیل سازی و تولید رایانه ، چه در صنایع شیمی ، الکترونیک ، ارتباطات و پست و چه در بازار دارایی.

هرکجا که کالا و خدمات از فراز تمامی مرزها آزادانه خرید و فروش می شوند، شاغلین به یک گرداب ظاهراً توقف ناپذیر از کاهش ارزش و صرفه جویی در کار دچار می گردند. در صنایع آلمان غربی فقط از سال ۱۹۹۱ تا سال ۱۹۹۴ یک میلیون محل کار از بین رفت. (۷) و این در حالی است که آلمان در مقایسه ی بین المللی هنوز موقعیت خوبی دارد. در دیگر کشور های عضو OECD یعنی تشکیلات ثروتمندترین ۲۳ کشور صنعتی جهان و ۵ همسایه ی فقیرترشان تعداد مشاغل حقوق بالا از این هم سریعتر تقلیل یافته است. (۸) در این کشورها در سال ۱۹۹۶ بیش از جهل میلیون نفر در این کشورها بیهوده به دنبال کار بودند. در کشورهای طراز اول اقتصادی ، از ایالات متحده تا استرالیا و بریتانیا و ژاپن رفاه توده ای به سرعت در حال از بین رفتن است.

حتی حرفه ای که می باید این زوال را توصیف نماید و خبر بد برایش همیشه خبر خوب بوده است یعنی حرفه ی خبرنگاری نیز این تغییر دوران را احساس می نماید. یعنی دنیای تی تی تایمنت در حال ظهور مشاغل خبرنگاران و مفسرین و سردبیران و اداره کنندگان و سایر ارتباط جمعی را نیز از بین می برد. دائماً تعداد کمتری متخصص تولید برنامه های تلویزیونی با سرعت مرتباً بیشتر و بودجه ی هرچه کمتری به تولید فیلم می پردازند. خبرنگاران تازه کار حتی دیگر قادر نیستند از آن شغل تمام وقت همراه با مزایای مختصری که تاکنون در فرستنده های رادیو تلویزیونی خصوصی و دولتی مرسوم بوده است ، برخوردار باشند. آن چه قبلاً در مجلات اشپیگل و اشترن و یا در فرستنده های رادیو تلویزیون وست دوپچه روندفونک و یا بایرن استاندارد مسلم بود امروزه تنها اختصاص به کارکنان قدیمی و چند تنی از ستارگان جدید دارد. برعکس تازه واردین می باید به قراردادهای نامطمئن ، تعرفه های حقوقی پائین و حق التحریرهای ناچیز قناعت نمایند. حتی ناشرین کتاب و تهیه کنندگان جدی فیلم های تلویزیونی و سینمایی نیز به نیروی کار ارزان روی آورده اند. ناشرینی که کارشان رونق دارد در استخدام کارکنان جدید مردد اند. زیرا نمی دانند که در آینده با قیمت های در حال افزایش کاغذ و علاقه ی در حال نقصان به مطالعه چه فشارهایی باز هم بر صنف آن ها وارد خواهد گردید.

صنف هایی نیز که تا کمی پیش به کارکنان خویش صرفنظر از بهتر یا بدتر شدن شرایط اقتصاد جهانی ، کاری مادام العمر را قول می دادند، تقلیل شدید کارکنان شان را در پیش روی دارند. نه تنها بانک ها و بیمه ها، بلکه شرکت های پست و تلگراف و هواپیمایی و خدمات عمومی در زمره ی اصنافی هستند که در آن ها از میان رفتن مشاغل در مقیاسی بزرگ صورت خواهد گرفت. اگر کارآیی هر یک از کنسرن های طراز اول بین المللی را مقیاس قرار دهیم و مقدار از بین رفتن محل های کار آینده ی کنسرن های آلمانی و دیگر کشورهای اروپایی را بر این پایه حساب نمائیم ، در سراسر اروپا با اخراج های توده ای مواجه خواهیم گشت. آلمان و اتحادیه ی اروپا به گرگهای گرسنه ی رقابت جهانی شده طعمه های چاق و چله ای را تقدیم می کنند.

برای روند از میان رفتن مشاغل نمی توان پایانی متصور شد. برعکس نویسندگان کتاب حاضر با استناد به مطالعات بانک جهانی ، انستیتوی جهانی مک کنزی که بزرگترین گروه تحقیقاتی مهندسی مشاور برای بازار جهانی می باشد و هم چنین تعداد زیادی گزارشات کارخانه ها و موسسات خدمات صنعتی به این نتیجه رسیده اند که در سال های آینده ۱۵

میلیون گارگر و کارمند دیگر در اتحادیه ی اروپا می باید نگران سرنوشت مشاغل دائمی خویش باشند. یعنی تقریباً به همان مقداری که این اتحادیه در تابستان ۱۹۹۶ بیکار داشته است.

تنها در آلمان بیش از ۴ میلیون محل کار شدیداً در خطر از بین رفتن می باشند. بدین ترتیب درصد بیکاری در آلمان می تواند از ۷،۹ درصد در حال حاضر به ۲۱ درصد یعنی بیش از دو برابر افزایش یابد. در اتریش نیز از ۳،۷ درصد کنونی به ۱۸ درصد برسد. احتمالاً مسئله به اینجاها نخواهد کشید زیرا بسیاری از مشاغل دائمی از بین رفته توسط کار روز مزدی و مشاغل کم درآمد جایگزین خواهند گردید. معذالک در دنیای جدید کار که در آن میلیون ها گارگر فصلی از کاری موقتی به کار موقتی دیگری روی می آورند درآمدها به مراتب کمتر از امروز خواهند بود. از این رو نیز جامعه ی ۲۰ به ۸۰ نزدیکتر می شود.

نتایج این دگرگونی را هر کسی حتی اگر محل کارش نیز در امان باشد، لمس خواهد کرد. ترس از آینده و عدم اطمینان گسترش می یابد و آرایش بافت اجتماعی از هم می پاشد. لیکن اکثر مسئولین ایجاد چنین شرایطی از قبول هرگونه تقصیری خودداری می نمایند. دولت ها و رهبران کنسرن ها تظاهر به درماندگی می نمایند و اظهار بی گناهی می کنند. آن ها به انتخاب کنندگان خویش می گویند که از میان رفتن توده ای مشاغل نتیجه ی "تغیر ساختار" اجتناب ناپذیر اقتصاد است. مارتین بانگه من کمیسار اقتصادی اتحادیه ی اروپا معتقد است تولیدات انبوه، با در نظر گرفتن حقوق های دائماً در حال رشد، در اروپای غربی آینده ای ندارند. "چین و ویتنام رقاباتی می باشند که کمترین حقوق ممکن را به کارگران شان می پردازند." (۹) و نشریه ی وال استریت ژورنال که نشریه ی ویژه ی مدیران اقتصادی است می نویسد: "رقابت در یک اقتصاد بی رحم جهانی شده باعث ایجاد بازار کار جهانی شده می گردد. هیچ شغلی دیگر در امان نیست." (۱۰)

سود برندگان از اقتصاد بی حد و مرز شده خیلی مایل اند این بحران را پیش آمدی طبیعی جلوه دهند. در سال ۱۹۹۳ ادسار رویتر رهبر گذشته ی کنسرن دایملر بنز چنین می گفت: "رقابت در دهکده ی جهانی هم چون جز و مد حاصل از توفان است، هیچکس قادر نیست از آن در امان باشد." (۱۱) سه سال بعد با وجود آن که در این میان یک میلیون محل کار از بین رفته بودند، هاینریش فون پیرر هدایت کننده ی کنسرن زیمنس با همان کلمات گفته های رویتر را تأیید نمود. "تسیم رقابت به بادی سخت تبدیل گشته است. لیکن توفان واقعی هنوز در راه است." (۱۲)

اما یک پارچگی اقتصاد از فراز تمامی مرزها به هیچوجه نتیجه ی یک قانون طبیعی و یا پیشرفت مستقیم تکنیکی که بدون دلیل به وجود آمده باشد، نیست. بلکه بیشتر نتیجه ی یک سیاست مشخص کشورهای صنعتی غرب است که از چند دهه ی پیش آگاهانه به اجرا در آمده است و هنوز هم ادامه دارد. جنگ رهائش برای سرمایه

سیم های اقتصاد جهانی شده زمانی دچار اتصالی شد که اروپا هنوز درگیر بازسازی خرابی های ناشی از جنگ جهانی دوم بود. در سال ۱۹۴۸ ایالات متحده و اروپا پیمان گمرکات و تجارت عمومی (گات) را منعقد نمودند. دولت های امضاً کننده از طریق این پیمان یک حوزه ی مشترک تجاری بین المللی را به وجود آوردند. در مذاکراتی که از



زمان عقد این پیمان هر هشت سال يك بار صورت گرفته اند مرتبا سطح تعرفه هاي گمركي تقليل داده شده اند. تا جائي كه تعرفه هاي گمركي امروزه براي كشورهاي توسعه یافته به ندرت نقشي بازي مي كنند. از سال ۱۹۹۴ با ايجاد سازمان تجارت جهاني "تو" كه جانشين گات گرديد ديگر دولت ها در فكر چانه زدن بر سر محدوديت هاي گمركي نيستند. بلكه در راه از ميان برداشتن ديگر موانع تجاري مثلا انحصارات دولتي و يا مقررات تكنيكي كوشش مي كنند.

نتايج آزادي روزافزون تجارت بسيار عظيم اند. از ۴ دهه ي پيش معاوضه ي کالا و خدمات در مقياس جهاني سريعترا از توليدات رشد مي نمايد. از سال ۱۹۸۵ درصد رشد حجم مبادلات تجاري بيش از دو برابر درصد رشد توان اقتصادي است. در سال ۱۹۹۵ يك پنجم تمامي كالاها و خدماتي كه در جهان به ثبت رسیده اند در خارج از مرزهاي كشور هاي توليدكننده شان معامله شده اند. (۱۳)

شهروندان كشورهاي صنعتي از ديرزمان مطمئن بودند كه دفاع از اقتصادي رشد يابنده درجه ي رفاه آنان را نيز بالا مي برد. ليكن از اواخر دهه ي هفتاد يك نقطه ي عطف تاريخي در سياست اقتصادي اروپاي غربي و ايالات متحده به وجود آمد كه به اقتصاد ابعاد جديدي بخشيد. تا آن زمان غالب كشورهاي صنعتي از اصلي كه اقتصاددان انگليسي مي نرد گينس به عنوان جوابي به فاجعه ي اقتصادي حاكم در فاصله زماني ميان دو جنگ جهاني داده بود، پيروي مي كردند. گينس نقش دولت را تا حد يك سرمايه گذار مالي مركزي در اقتصاد ملي بالا مي برد. سرمايه گذاري كه در زمان هايي كه روند بازار باعث نقصان اشتغال و تقليل اعتبارات پولي مي گردد با هدف تصحيح در بودجه هاي عمومي دخالت مي نمايد. در چنين حالي دولت ها مي بايد در هنگام ركود اقتصادي با افزايش سرمايه گذاري هاي خويش باعث افزايش تقاضا در بازار كار گردند و بدین طريق از بحران هايي اقتصادي جلوگیری نمایند. بر عكس در زمان هاي رونق اقتصادي مي بايد قروض حاصله در بودجه ي عمومي را از طريق درآمدهاي مالياتي ازدياد يافته شان بپردازند تا از تورم جلوگیری نمایند.

علاوه بر اين بسياري از دولت ها از بخش هاي معيني از صنعت كه انتظار رشد سريعترا و ايجاد مشاغل بيشتري از آن ها مي رفت ، پشتيباني مي كردند. ليكن با شوک ناشي از بالا رفتن بهاي نفت در سال هاي ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ اين طرح دچار تزلزل شد. در بسياري از موارد دولت ها ديگر قادر نشدند كسري بودجه و تورم را تحت كنترل درآورند. از اين رو نرخ ثابت برابري ارزها ديگر قابل حفظ نبود.

به همين جهت نيروهاي سياسي محافظه كار بعد از پيروزي هاي انتخاباتي شان در سال هاي ۱۹۷۹ در انگلستان و ۱۹۸۰ در ايالات متحده ، اصولا يگ دگم اقتصادي ديگري را به عنوان شاقول سياست شان برگزيدند. يعني سياست به اصطلاح ليبراليسم نو اقتصادداناني چون ميلتون فريدمن مشاور اقتصادي رونالد ريگان و فريدريش آگوست فون هايك مشاور اقتصادي مارگارت تاچر. اقتصادداناني كه به خاطر اشكال سياست پولي شان پول گرايان نيز ناميده مي شوند. اين نظريه پردازان براي دولت تنها نقش يك حافظ نظم را قائلند. آن ها بشارت مي دهند كه هر چه بخش خصوصي در سرمايه گذاري ها و اشتغال نيروي كار آزادتر باشد، به همان نسبت نيز درصد رشد و رفاه عمومي بيشترا خواهد بود. با حركت از اين نظريه دولت هاي از لحاظ اقتصادي غالبا ليبرال غرب در سال هاي دهه ي هشتاد براي

سرمایه نوعی جنگ رهاییبخش به وجود آوردند. آن ها در جبهه ای وسیع امکانات کنترل و دخالت دولتی را از بین بردند و همسایگان مخالف این سیاست را با تحریم های اقتصادی و یا دیگر ابزار فشار به تبعیت از این سیاست وادار نمودند.

از بین بردن تعدیل ، لیبرالیزه کردن و خصوصی نمودن سه اصلی بودند که به ابزار استراتژیک سیاست اقتصادی اروپا و ایالات متحده تبدیل گردیدند. اصولی که برنامه ی لیبرال های نو را تا حد يك مکتب دولتی ارتقا داد. سرسپردان به بازار در حکومت های واشنگتن و لندن قانون عرضه و تقاضا را به عنوان بهترین اصل قابل تصور نظم تجلی دادند. گسترش تجارت آزاد به هدفی تبدیل گردید که دیگر آزمون نمی گردید. با آزاد نمودن کامل مرادفات ارز و سرمایه بین المللی ، ریشه ای ترین تعرضات به قوانین اقتصادی دمکراسی های غربی بدون مقاومت قابل ذکر انجام گرفتند.

به زودی معلوم گردید که چه کسانی ریسک بازار را در آینده بر دوش خواهند داشت. بیش از همه در بخش هایی از صنعت که نیاز به نیروی کار زیاد دارند و هنوز بسیاری از کارگران غیر متخصص و یا کم تخصص را در خدمت دارند، تمامی تولید کنندگان بزرگ و کوچک با رقبای از کشورهای مزد ارزان روبرویند. تولید میز و مبل ، پارچه ، کفش ، ساعت و یا اسباب بازی تنها زمانی در اروپا و آمریکا مقرون به صرفه می باشند که بخش بزرگی از تولید خودکار و یا به خارج منتقل گردیده باشد. در عین حال با ظهور ژاپن ، برای اولین بار يك کشور صنعتی جدید به حریم گردانندگان قدیمی بازار جهانی وارد گردید که با عرضه ی کالای ارزان بقیه ی کشورهای صنعتی را تحت فشار قرار داد. غرب کهنه کار ابتدا با وضع تعرفه های گمرکی و تحمیل قراردادهایی برای محدود کردن ظاهراً داوطلبانه ی صادرات ژاپن به مقابله برخاست. در عین حال اما طرفداران تجارت آزاد چه از نظر سیاسی و چه از نظر مکتبی همیشه تفوق خویش را حفظ نمودند. آن ها گلایه می کردند که این گونه حمایت گرایی های دولتی مانعی در راه پیشرفت تکنیکی خواهد بود و موفق شدند این نظر را به دیگران بقبولانند که بیشتر این اقدامات دفاعی ، موقتی باشند.

دست کشیدن از تولید انبوه محتاج به کار فراوان و روی آوردن به تولیدات محتاج تکنیک های بالا و ایجاد جامعه ی خدماتی می باید داروی شفابخش آن زخم هایی می گردید که رقابت بین المللی و خودکار نمودن تولید بوجود آورده بودند. اما این امید هرگز برآورده نشد. با وجود رشد دائم اقتصادی در تمامی کشورهای صنعتی غرب به استثنای ژاپن انسان ها هر چه بیشتر از یافتن شغلی با حقوقی خوب محروم گردیده اند.

ادامه دارد

[socialistha@ois-iran.com](mailto:socialistha@ois-iran.com)  
[www.ois-iran.com](http://www.ois-iran.com)